

مردی با چشمان حادثه ساز – قسمت دهم

ابره‌ای سیاه در آسمان مرادآباد



محمد بلوری

روزنامه‌نگار

یک ماه از گشت مرد بدشگون سوار بر اسب در لباس سرخ شمر می‌گذشت که ابرهای سیاه باران‌زا در سمت خط مشرق آسمان و دریا بالا می‌آمد و موج‌ و غلطان در باد کم‌کم پهنه آسمان را می‌پوشاند. هنگام غروب بود که انعکاس قرص خورشیدی چون سینی سرخ گداخته‌ای در آب‌های لرزان و مواج خط افق فرو می‌رفت

و شراره‌های به‌جا مانده‌اش را از فراز درختان بلند برمی‌چید و با فرا رسیدن تاریکی، خفاش‌های خون‌آشام به‌پرواز در می‌آمدند تا بر تن نحیف و استخوانی گاوهای پراکنده در آبادی بجسبند و خون‌شان را بمکند و این خطر هم وجود داشت که با ورود به‌خانه‌ها و میکدن خون ساکنان در خواب ویروس هاری را به آنها انتقال دهند. مرد بدشگون سوار بر اسب، در بازگشت به خانه دلخوش بود که امشب ابرهای سیاه تمامی پهنه آسمان را خواهند پوشاند و بارانی تند زمین را سیراب خواهد کرد. با فریاد بلند اسب را برای چهار نعل رفتن هی زد: - برو اسب شیطانی، به به‌پرواز در بیا فرادست که زیر باران، لباس سرخ شمری را از تن در بیاورم و فریاد بزنم ببار باران، جوی‌ها را به طغیان در آرو ساکنان این آبادی را زیر باران به رقص آدار...

با غرش زعد فریاد شادی سرداد و به اسب نهیب زد.

- برو شیطان سرخ، پرواز کن...

هنگام غروب با گذر از پستی‌بلندی‌های بیابان، در چشم اندازش، مرادآباد در میان تیرگی درختان نمایان شد که در انتهای شیب ملایمی همچون لکه سیاهی به چشم می‌آمد.

- صبر کنید آقا تا من هم به شما برسم.

مرد بدشگون صدای زنی را شنید که همراه با کوبش پای‌ای یک اسب از پشت سرمی‌آمد و چارقد بلندش در باد تاب می‌خورد و درهم می‌پیچید. افسار اسبش را کشید و با نگاهی به پشت سر، زن جوان را شناخت. تنها معلم مدرسه مرادآباد بود که در آن غروب بیابانی هراسان به‌نظر می‌رسید.

با تعجب پرسید: خانم معلم، این چه زمان سواراست، آن‌هم در بیابان؟ زن جوان از آرامش خاطر نفس عمیقی کشید و گفت: از علی‌آباد می‌آیم. به‌دیدن یک آشنا رفته بودم راه که اقدام پیشیمان شدم، نمی‌دانستم که به تاریکی غروب و هوای طوفانی می‌خورم.

دانه‌های درشت و آبدار باران با تندی باد به صورتش می‌خورد و نفس‌نفس می‌زد.

مرد بدشگون گفت: باران تندی در پیش داریم خانم باید برای رسیدن به آبادی عجله کنیم می‌ترسم گرفتار سیل شویم.

بی‌آن‌که منتظر جوابی باشد در سراشیب دره راه افتاد و زن جوان به‌دنبالش، اسبش را هی کرد. در انتهای سراشیب به پشت دیوارهای اولین ردیف خانه‌ها که رسیدند، مرد بدشگون سردانه کوجه‌ای افسار اسبش را کشید و گفت:

- از اینجا به بعد که راه خانه‌تان را می‌دانید و من به ناچار باید از شما جدا شوم و تنها راه یافتم.

خانم معلم با تعجب گفت:

برمی‌گردید به بیابان؟

- نه خانم جوان.

اشاره کرد به گورستان قدیمی و متروک مرادآباد در فاصله چند قدمی و گفت: - شاید دست تقدیر خواسته به کسی دیگر یاری برسانم. شما راه یفتید خانم محترم.

روشنی فانوس در گورستان قدیمی پیدا بود که پیرمی‌زد و زن جوان گفت: - شاید آن‌که با فانوس در قبرستان نشسته به کمک شما نیاز داشته باشد.

مواظب خودتان باشید. آقا خدا حافظ.

مرد بدشگون می‌دانست که کسی نیازمند کمک او نیست و با خودش گفت: باز حتماً مردیست که به هوس گنجی آمده به قبرستان با افسار اسبش در دست، به طرف قبرستان راه افتاد. شنیده بود قاچاقچی‌های کنج‌یاب بعضی از شب‌ها با قایق به جزیره می‌آیند و برای یافتن طلا و دلفینه قبرهای گورستان قدیمی را می‌کاوند...

ادامه دارد

مرگ موج سوار میان آرزوهای کوسه



آرزو کیهان

منترچیم

کوسه سفید غول پیکر در آب‌های ساحلی استرالیا یک موج سوار را کشت. به‌گزارش سی‌ان‌ان، مرد ۶۰ ساله هنگام موج‌سواری در آب‌های ساحلی نیوساوت ولز ناگهان از سوی کوسه سه متری مورد حمله قرار گرفت. تصاویر هوایی به‌دست آمده از پهپادها حضور کوسه سفید را در آب‌های ساحلی شمال نیوساوت ولز نشان می‌دهد. بنا بر اطلاعات به‌دست آمده قربانی اهل نیوزلند بوده و پس از حمله کوسه با کمک نیروهای گارد ساحلی از میان آرزو‌های بزرگ کوسه بیرون کشیده و به بیمارستان منتقل شد. بنا بر گزارش‌ها این مرد موج‌سوار بر اثر گاز گرفتن‌های پیایی در ناحیه پای چپ و به دلیل خونریزی شدید جان خود را از دست داده است. در پی این حادثه چند پهپاد مسیر حرکتی کوسه را ردیابی کرده تا بتوانند این حیوان خشمگین و وحشی را از ساحل و موج‌سواران دور کنند. این مرد سومین قربانی کوسه در سال جدید است.

۶ روز جدال با مرگ در چاه

مرد بریتانیایی که هنگام پیاده روی داخل چاه افتاده بود پس از ۶ روز به‌شکل معجزه آسایی با کمک یک سگ از مرگ نجات یافت.

به‌گزارش اسکای نیوز، این مرد که یک رهگذر بوده پس از سر خوردن پایش درون چاهی ۴ متری در بالی اندونزی افتاده و مدت ۶ روز بدون غذا مانده بود. گفته می‌شود صدای زوزه‌های یک سگ در بالای چاه باعث شد «جیکوب رازنر» ۲۹ ساله نجات پیدا کند. چاهی که توریست بریتانیایی

در آن سقوط کرده حدود ۳۰ متر با جاده اصلی فاصله داشته است به همین دلیل رهگذران متوجه این حادثه نشده بودند. «جیکوب» پس از نجات گفته که مدت ۶ روز تنها با نوشیدن آب چاه موفق شده جان خود را از مرگ حتمی نجات دهد.

■ سه‌شنبه ۲۰ خرداد ۱۳۹۹  
 ■ سال بیست و ششم  
 ■ شماره ۷۳۶۵

تراژدی فرزندکشی در کرمان

# شریت مرگ برای ۲ خواهر

**گروه حوادث/ کرامران علمدهی:**

**زن جوان که در اقدامی هولناک با خوراندن متادون به دخترانش آنها را به قتل رسانده بود مدعی است که بیماری روانی دارد.**

مادر ۳۲ ساله زرندی که همراه همسر و دو

دختر ۱۱ و ۶ ساله‌اش در کرمان زندگی می‌کنند روز پنجشنبه با خوراندن متادون به دخترانش به نام‌های سوکند و فاطمه آنها را کشت و در همان روز هم توسط پلیس دستگیر شد.

سرهنگ کوروش احمد یوسفی، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان کرمان در گفت‌وگو با خبرنگار حوادث «ایران» درباره جزئیات این ماجرا گفت: همسر این زن سال‌ها به موادمخدر اعتیاد داشت و همین موضوع باعث شده بود که این زن از حدود ۶ ماه پیش تصمیم به طلاق بگیرد و به اتفاق دو دخترش

به خانه پدری نقل مکان کند. وی در پاسخ به این سؤال که نحوه خوراندن قرص‌ها به چه صورتی بوده تصریح کرد: ظاهراً این مادر برای اینکه بچه‌ها طعم قرص‌ها را متوجه نشوند آن را داخل شربت نعنا ریخته و ساعت ۱۱ شب به هر دو دخترش خورانده و شب تا صبح نیز در کنار آنها نشسته بود. حتی قصد داشته پس از اینکه آنها فوت می‌کنند خودش را هم بکشد که خونریزی از دهان بچه‌ها باعث شده تا او در یک لحظه از ترس شروع به فریاد زدن کند و خانواده‌اش را در جریان قرار دهد که پس از آن مأموران اورژانس

# مرگ چهار جوان درواژگونی قایق تفریحی



پدالی به علت نا آشنایی به فنون شنا در داخل آب غرق شده و جان باختند، اظهار داشت: با تلاش غواصان سازمان، اجساد هر چهار غریق این آبنندان کشف و از آب خارج شد. حسنی بیان کرد: با افزایش سفرهای تابستانی بویژه به استان‌ها و شهرهای ساحلی و نیز حضور بیشتر در استخرها و رودخانه‌ها،

# برادرکشی بخاطر رمزگوشی

**گروه حوادث/ ابرسر جوان** که به خاطر باز شدن

مخفیانه قفل گوشی و لپ‌تاپ برادر بزرگ‌ترش را به قتل رسانده بود بزودی در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه خواهد شد.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از اسفند سال گذشته با مرگ جوانی ۳۷ ساله به نام مهران در یکی از بیمارستان‌های پایتخت آغاز شد و مأموران پس از حضور در بیمارستان متوجه شدند که مقتول بر اثر ضربات متعدد چاقو توسط مازیار برادر ۲۱ ساله‌اش به قتل رسیده است.

پس از آن مازیار به اتهام قتل عمد بازداشت شد و تحت بازجویی قرار گرفت و به جرم خود اعتراف کرد و گفت: روز حادثه وقتی به خانه آمدم متوجه شدم که مهران مشروبات الکلی زیادی مصرف کرده و تسلطی بر رفتارهایش ندارد. او مدام داد می‌زد و فحاشی می‌کرد. حتی به‌خاطر اینکه درگیری بین ما بیشتر نشود با پلیس ۱۱۰ هم تماس گرفتم. دقایقی بعد مهران با این بهانه که چرا قفل گوشی و لپ‌تاپ من را باز کردی به من حمله کرد و با صندلی ناهارخوری ضربه‌ای به من زد که صندلی شکست.

متهم در ادامه مدعی شد: من خیلی تلاش کردم تا برادرم را آرام کنم اما او دست بردار نبود و به آشپزخانه رفت و با یک چاقو به سمت آمد و دوباره به من و دوست دخترم فحاشی کرد تا اینکه من از کوره در رفتم و چاقو را از او گرفتم و چند ضربه‌ای زدم. بعد از آن او را بلافاصله به بیمارستان رساندیم اما جان باخت. قصدم کشتن برادرم نبود اما او خودش مسبب این ماجرا بود. پس از اظهارات مازیار و تکمیل تحقیقات، پرونده متهم برای رسیدگی به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد.

# افشای راز جنایت دو قاچاقچی در چهارباغ



جسد هاشم را به داخل خودروی پیکان دوستم که البته سرقتی بود منتقل کردیم و با خودروی پراید هاشم از محل فرار کردیم. با اعترافات امیر ۳۷ ساله، ارسال ۳۴ ساله نیز دستگیر شد و پس از اعتراف به جنایتی که مرتکب شده بودند به اتهام قتل عمد روانه زندان شدند.

را داشتیم به‌همین خاطر روز حادثه به بهانه معامله مواد مخدر او را از محل زندگی‌اش که آبیگ کرج بود به چهارباغ کشاندیم و تا توانستیم کتکش زدیم اما قصد ما کشتن او نبود در میان درگیری ضربه‌ای با جسم سخت به سرش زدیم که ناگهان روی زمین افتاد و متوجه مرگ او شدیم بسرعت

شدن مرد ۴۱ ساله‌ای به نام هاشم خبر دادند در ادامه این خانواده با مشاهده جسد کشت شده بلافاصله او را شناسایی کردند. بدین ترتیب تیم ویژه‌ای از کارآگاهان جنایی تحقیقات خود را برای شناسایی عامل یا عاملان این جنایت آغاز کردند و در نخستین گام به بررسی تلفن همراه مقتول پرداختند که مشخص شد آخرین تماس‌های تلفنی وی با فردی به نام امیر بوده است. با شناسایی هویت امیر، وی دستگیر شد و در حالی که نخست منکر اطلاع از سرنوشت مقتول بود اما خیلی زود لب به اعتراف باز کرد و گفت: من و دوستم ارسال از مدتی قبل به‌خاطر اختلاف مالی با هاشم قصد تنبیه او

# دختر متاد در یک قدمی چوبه‌دار

**گروه حوادث/ حکم قصاص** دختر جوانی که مادرش را در خانه به قتل رسانده بود از سوی قضات دیوان عالی کشور تایید شد.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، این پرونده در شعبه ۱۲ دادگاه کیفری استان تهران رسیدگی شده بود و متهم با درخواست قصاص از سوی اولیای دم روبه‌رو شد. او وقتی در جایگاه قرار گرفت گفت: من مرتکب قتل شدم؛ با مادرم درگیر شدم و مادرم من را کتک زد. چون می‌دانستم عصبی است بیرون رفتم تا داروهایش را بخرم. وقتی برگشتم مادرم پشت در افتاده و جانش را از دست داده بود. مأموران را خبر کردم و آنها کمک کردند تا در را باز کنیم و با جسد مادرم روبه‌رو شدیم. گفته‌های این دختر در حالی بود که پزشکی قانونی علت مرگ را وارادمن ضربه جسم سخت به سر عنوان کرده بود. بنابراین وی به اتهام قتل مادرش بازداشت شده بود. اما در جلسه بعدی دادگاه برادر این دختر که برایش درخواست قصاص

http://irannewspaper.ir  
 editorial@irannewspaper.ir



روانی داشته باشد اما تا تکمیل تحقیقات پلیس و نظریه کارشناسی پزشکی قانونی باید منتظر بنامینم اما در حال حاضر مأموران در خصوص ابعاد پیدا و پنهان این ماجرا و بررسی روانشناختی تحقیق می‌کنند.

فرزندانش را قربانی کند.

معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان کرمان در ادامه گفت: هر چند این زن خودش مدعی است بیماری روانی دارد اما وضع ظاهری این مادر نشان نمی‌دهد که او مشکل

# اعدام مدیر شرکت به جرم قتل همسر

**گروه حوادث/** مدیر یکی از شرکت‌های خودروسازی که ۷ سال قبل همسر دومش را به قتل رسانده بود، به دار مجازات آویخته شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از ۱۱ خرداد سال ۹۲ و با مرگ زن جوانی در خانه‌اش آغاز شد. همسر او که با پلیس و اورژانس تماس گرفته بود در تحقیقات گفت: صبح که از خواب بیدار شدم و به آشپزخانه رفتم متوجه شدم که همسرم بی حرکت روی زمین افتاده است. هر چه او را صدا زدم جواب نداد، دستم را که روی قلبش گذاشتم متوجه شدم نفس نمی‌کشد بلافاصله با اورژانس و پلیس تماس گرفتم. بانوجه به مشکوک بودن مرگ زن جوان به نام شراره، به دستور بازپرس جنایی جسد به پزشکی قانونی انتقال داده شد. معاینات پزشکی قانونی اعلام کرد که شراره بر اثر خفگی جانش را از دست داده است.

بدین ترتیب تحقیقات وارد مسیر تازه‌ای شد و پدر و مادر شراره - که کارمند یک شرکت هواپیمایی بود- با مراجعه به بازپرس پرونده از دامادشان به اتهام قتل شکایت کردند. در ادامه بررسی‌ها مشخص شد که همسر شراره مدیر یکی از شرکت‌های خودروسازی است و زن جوان همسر دوم او است. طبق تحقیقات او سال ۷۹ از همسر اولش جدا شده و ۵ سال بعد یعنی در سال ۸۴ با شراره ازدواج کرده بود.

■ دستگیری مرد جوان

سرنخ‌ها و مدارکی که در تحقیقات به‌دست آمد، ردپای همسر او در این جنایت را نشان می‌داد. بدین ترتیب همسر شراره به اتهام قتل بازداشت شد، اما او منکر جنایت بود.

از سوی دیگر مأموران به تحقیق از همسر اول متهم و پسر ۱۴ ساله‌اش پرداختند. آنها می‌گفتند که حمیدرضا، متهم این جنایت فردی دو شخصیتی است که ظاهری آرام دارد اما هنگام خشم و عصبانیت رفتارهای خطرناکی از خود نشان می‌دهد. همسر اولش نیز مدعی شد که هر زمان با حمیدرضا درگیری می‌شدند، او قصد خفه کردن او را داشته است؛ این در حالی بود که پزشکی قانونی سلامت روانی مرد جوان را تایید کرد.

حمیدرضا که ابتدا منکر جنایت بود بعد از مدتی به قتل همسرش اعتراف کرد و گفت: با همسرم اختلاف داشتم و مدام بر سر مسائل خانوادگی باهم درگیر می‌شدیم. روز حادثه با او دعوایم شد و در یک لحظه عصبانیت او را خفه کردم. با اعتراف متهم به قتل او در شعبه ۸۴ دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه رفت. بانوجه به درخواست قصاص اولیای دم قضات دادگاه حکم بر قصاص مرد جوان دادند و این حکم در شعبه ۲۸ دیوانعالی کشور تایید شد.

با تایید حکم قصاص، مرد جوان با گذشت ۷ سال پس از جنایت در زندان رجایی شهر به دار مجازات آویخته شد.

# مرگ ملارو دو کودک در بازگشت از عروسی

**گروه حوادث/**برخورد یک دستگاه کامیون ایسوزو با یک مادر و دو فرزندش در روستای «سعادت‌آباد» شهرستان کوهدشت آنها را به کام مرگ کشاند. سرهنگ مصطفی دالوند، رئیس پلیس راه لرستان گفت: این حادثه اواخر شب یکشنبه و پس از برگزاری یک مراسم عروسی در روستای سعادت‌آباد شهرستان کوهدشت رخ داد. یک دستگاه کامیون ایسوزو پس از برخورد با یک مادر و ۲ فرزندش که یک پسر چهارساله و دختری ۱۳ساله بودند و قصد عبور از جاده دوطرفه را داشته‌اند، موجب مرگ این سه نفر شد. وی ادامه داد: جاده روستایی سعادت‌آباد کوهدشت واقع در یک منطقه مسکونی است که روشنایی کافی ندارد و باید رانندگان و عابرین برای عبور از این مسیر احتیاط کنند.

# خرید و فروش حواله خودروهای ثبت نامی غیر قانونی است

بوده و با این افراد برخورد خواهد شد. این مقام انتظامی بیان داشت: بعضی افراد سودجو در فضای مجازی با تبلیغات و درج آگهی مانند: «فرم درخواست پر کنید و خودروی خود را خارج از نوبت تحویل بگیرید» سعی در کلاهبرداری از شهروندان و متقاضیان پیش فروش دارند. رئیس پلیس فتا در پایان به شهروندان توصیه کرد: به‌هیچ عنوان فریب تبلیغات و آگهی‌های افراد کلاهبردار در سایت‌ها و کانال‌های اجتماعی خرید و فروش خودرو را نخورده و از منابع رسمی و معتبر اقدام به ثبت‌نام و خرید خودرو کنند و در صورت مواجهه با این گونه کلاهبرداری‌ها از طریق سایت پلیس فتا به نشانی www.cyberpolice.ir مرکز فوریت‌های سایبری اطلاع‌رسانی کنند.